

سناریوی تکراری: نمایش اعتراف - این بار برای شکستن اعتراض علیه حجاب اجباری

نعیمه دوستدار

درست همزمان با روزهایی که مازیار ابراهیمی، متهم به ترور دانشمندان هسته‌ای به دلیل پرده برداشتن از اعترافات تحت شکنجه در زندان در صدر اخبار قرار گرفته، خبرگزاری فارس، وابسته به نهادهای امنیتی، ویدئوی دو زن جوان را منتشر می‌کند که می‌گویند اعتراضشان به حجاب اجباری، ناآگاهانه بوده. مریم و متین، دوقلوهای معترض به حجاب اجباری را روبه‌روی دوربین ماموران اطلاعاتی نشانده‌اند و آنها اعتراف می‌کنند. اعتراف می‌کنند که «خام و نادان و منفعل» بوده‌اند. می‌گویند که شخصیت سستی دارند و در هر محیطی که قرار بگیرند تحت تاثیر قرار می‌گیرند و در این مورد هم به خاطر تبلیغات جو گیر شده‌اند.

فیلم اعترافات مریم و متین، می‌رود در آرشیو فیلم‌های مائده دختر رقصنده، سپیده قلیان و اسماعیل بخشی فعالان کارگری، عبدالله مومنی، سعیدی سیرجانی و ده‌ها فعال سیاسی، دانشجویی و مدنی که چهار دهه است روبه همین دوربین‌ها، به «اشتباهات خود» اعتراف کرده‌اند.

تجربه بیشتر کسانی که به دلایل مختلف پیشان به زندان‌های سیاسی و عقیدتی ایران کشیده شده، تایید می‌کند که اعتراف تلویزیونی یک شیوه مورد علاقه بازجویان نهادهای اطلاعاتی است. یک فیلم حاضر و آماده که نه تنها می‌توان آن را در اختیار دادگاه قرار داد، که به آسانی با پخش از شبکه‌های تلویزیونی و خبری، برد رسانه‌ای پیدا می‌کند و افکار عمومی را به نفع جریان‌های مورد نظر حاکمیت شکل می‌دهد. حتی کسانی که خود را مخالف جمهوری اسلامی و سیاست‌های فرهنگی آن می‌دانند، اعتراف می‌کنند که تماشای چنین مستندهایی، گاه بر آنها اثر گذاشته و دست‌کم این تردید را برایشان ایجاد کرده که این اعترافات ممکن است رنگی از واقعیت داشته باشد. به همین دلیل است که هنوز هم بسیاری از زندانیان خبر می‌دهند که برای نشستن جلوی دوربین تحت فشار قرار دارند و بازجوها شرط آزادی آنها را اعتراف تلویزیونی گذاشته‌اند.

اعتراف‌گیری تلویزیونی نوعی شکنجه است و معمولاً با هدف درهم شکستن زندانی و در مرحله بعد برای ایجاد تغییر در او و نهایتاً بازسازی و پذیرش القائات مورد نظر ماموران امنیتی انجام می‌شود. در نخستین مرحله، زندانی با شکنجه‌های روحی و جسمی مجبور به پذیرش اعترافات می‌شود و از او می‌خواهند تا اشتباهات خود را برای عبرت دیگران مقابل دوربین اعتراف کند. برای اینکه اعترافات، بیشترین تاثیر را داشته باشد، اطلاعات و جهان بینی مورد نظر بازجوها به او دیکته می‌شود (مازیار ابراهیمی در مصاحبه‌های خود گفته که کل سناریوی ترور دانشمندان هسته‌ای به او و سایر متهمان دیکته شده بود). در آخرین مرحله این احتمال وجود دارد که فرد، به آنچه مورد نظر ماموران است تن دهد و حتی آنها را بپذیرد یا دست‌کم برای زمان کوتاهی، تظاهر به پذیرش یا پشیمانی کند.

پیش‌تر یاسمن آریانی از دیگر بازداشت‌شدگان معترض به حجاب اجباری از اعمال فشار بازجوها برای اعتراف اجباری خبر داده بود، اما با شکست ماموران در تهیه فیلم اعتراف از او، دو قربانی دیگر را رو به دوربین نشانده‌اند. مریم و متین، دو دختر فیلم خبرگزاری فارس، از قضا مطلقه و در راه طلاق هستند و تنها زندگی می‌کنند. سوژه‌هایی مناسب برای بازجویانی که علاقه دارند با سوءاستفاده از تابوها و حساسیت‌های جامعه، مخالفان خود را افرادی خارج از نرم و عرف جامعه معرفی کنند. بر این اساس، مطلقه بودن و تنها زندگی کردن یک زن، به اندازه کافی گویا هست که فریب‌خوردگی آنها را به مخاطب القا کند.

در مراحل بعدی، اعتراف‌کنندگان می‌گویند که با اینکه حجاب درست و حسابی نداشته‌اند اما از حجاب اذیت نشده‌اند و مشکل خاصی با آن نداشته‌اند. اما چرا به جمع معترضان پیوسته‌اند؟ چون «فیلم‌های معترضان را دیده‌اند و از شبکه‌های اجتماعی و ماهواره‌ها الگو گرفته‌اند.»

آنها کلیدواژه‌های بازجویان خود را جا نمی‌اندازند: ماهواره، شبکه‌های اجتماعی، توصیه از خارج، رسانه‌های خارجی.

شیوه مرسوم جمهوری اسلامی در برخورد با هر معترضی این بوده که از گفتمان‌هایی که خود به تدریج راه انداخته و آنها را به افکار عمومی قبولانده است - هرچند افکار عمومی ممکن است آگاهانه آن را نپذیرفته باشند- برای اتهام‌زنی استفاده کند. یکی از این گفتمان‌های رایج، «پول‌گرفتن» یا تهمت مالی زدن به فعالان و متهم کردن آنها یا حامیان آنها در خارج از کشور به استفاده از کمک خارجی است. مریم و متین هم یک نمونه ساده از اعتراف اجباری به این باورند: کسانی که از خارج آنها را حمایت می‌کنند و بابت آن پول می‌گیرند. جالب است که تهیه‌کنندگان فیلم از ارائه مدرکی برای اینکه فعالان داخلی از کمک مالی برخوردار بوده‌اند عاجز مانده‌اند و به تکرار سناریوی «خارج‌نشینان در رفاه» در سناریوی خود اکتفا کرده‌اند.

روش رایج دیگر، تضعیف گفتمان حقوق بشری به طور عام و اتهام زنی به این گفتمان در خارج از کشور است. سناریونویسان با سوءاستفاده از اختلافات جریان‌های اپوزیسیون خارج از کشور و مثلاً پخش فیلم یک سخنرانی که در آن از شیرین عبادی به عنوان کسی که جایزه صلح نوبل را به خاطر فعالیت‌های حقوق بشری گرفته و مسیح‌علینژاد که برنده جایزه حقوق بشری دیگری شده، به عنوان نمونه‌ای از برخورد سوجدویانه با حقوق بشر نام برده شده و تمام فعالیت‌های حقوق بشری خارج از ایران را «بیزینس» معرفی کرده‌اند.

روش دیگر، بدنام کردن سایر کنشگران و ایجاد خط و ربط میان آنهاست. تصاویری از مریم و متین منتشر می‌شود که در آن از سپیده قلیان، نسرين ستوده و آتنا دائمی حمایت می‌کنند و در حالی که تلاش می‌شود نقش فعالان شناخته شده مدنی تحقیر شود و آنها را هدایتگر و عامل هر اعتراضی معرفی کنند، عاملیت خود این زنان به عنوان صاحبان فکر و اندیشه و دارندگان حق اعتراض مدنی زیر سوال می‌رود.

اعتراف‌گیرندگان با این فیلم هدف دیگری هم دارند: تضعیف مخالفان و منتقدان خارج از کشور، با خائن، مزدور، فسیل و دورافتاده نشان دادن آنها از مسایل روز کشور با استفاده از استدلال نخنمای «برگرد به ایران و مبارزه کن» یا «از دور نشستی می‌گی لنگش کن». برای مأموران امنیتی حیاتی است که مخالفان خود را در خارج از کشور موجوداتی ترسیم کنند که هیچ درد و دغدغه‌ای درباره ایران و ایرانیان ندارند و با به خطر انداختن آنها برای خود بیزینس و شهرت و اعتبار می‌سازند و حتی میان شهروندان تقابل ایجاد می‌کنند: سیاستی که خود جمهوری اسلامی به روش‌های مختلف با ترویج فرهنگ «امر به معروف و نهی از منکر»، دوگانه‌سازی، خود و غیرخودی کردن اقشار مختلف جامعه و با سیاست‌های رانتی خود و ایجاد شهروندان درجه یک و درجه دو، ید طولایی در آن داشته است.

در نهایت، اعتراف‌گیرندگان با چیدن تمام این مقدمات می‌خواهند فضای رعب و وحشت و سیاست سرکوب خود را نهادینه کنند. مریم و متین را وامی‌دارند تا با اشاره به جرم انگاری من‌درآوردی «فیلم فرستادن برای خارج از کشور جرم است»، بر قوانین نابحق خود صحنه بگذارند، نافرمانی مدنی را جرمی نابخشودنی جلوه دهند و ترس و وحشت را بر دیگرانی که ممکن است به جریانات اعتراضی بپیوندند، حاکم کنند.

اما آیا این تمام ماجراست؟ نه. ماهواره و شبکه‌های اجتماعی، این دشمنان قسم خورده سیاست‌های توتالیتری جمهوری اسلامی، مدام نقشه‌هایش را بر آب می‌کنند. هر روز بر تعداد کسانی که جرات می‌کنند و پرده از اعترافات اجباری و تحت شکنجه بر می‌دارند افزوده می‌شود و روز به روز تعداد بیشتری بر کاربران شبکه‌هایی که واقعیت‌های جاری زندان‌های ایران و پشت پرده فیلم اعترافات اجباری را می‌بینند، افزوده می‌شود.